

یادی از آیه الله شیخ محمدمهدی شمس الدین (ره)

● عبدالله اصفهانی



کوشش و رویش

آیه الله شیخ محمدمهدی شمس الدین یکی از نام‌آوران برجسته و متفکران صاحب‌نظر جهان اسلام است که ارباب خرد و معرفت و پژوهشگران معارف دینی با آثار و اندیشه‌های وی آشنا هستند.

این عالم فرزانه و روحانی بزرگ لبنانی از احفاد شمس‌الدین محمدبن مکی (۷۲۴-۷۸۶ هـ. ق) معروف به شهید اول می‌باشد که شرح‌حال‌نگاران وی را به عنوان ملجأ شیعیه، پرچمدار شریعت، استاد با اراده پرتلاش، گوهر یگانه روزگار، مُرد میدان تحقیق، صاحب‌نظری دقیق و عارفی پارسا معرفی کرده‌اند.

محمدمهدی شمس‌الدین در سال ۱۳۵۳ هـ. ق در نجف اشرف دیده به جهان گشود و در پرتو مراقبت‌های تربیتی و پرورش‌ی پدری فرزانه و وارسته، دوران صباوت را سپری کرد. وقتی که وی به سن دوازده‌سالگی رسید پدرش به موطن و زادگاه خویش بازگشت اما

فرزندش را به دلیل اشتیاق درونیش به فراگیری علوم دینی، در نجف اشرف گذاشت، محمدمهدی که مقدمات ادبیات عربی را با استعدادی سرشار و ذهنی توانا نزد پدر فرا گرفته بود، این دوره را نزد شیخ محسن غراوی و شیخ عبدالمنعم فرطوسی تکمیل کرد و سطوح مقدماتی، متوسطه و عالی را از محضر آیات سیدمحمد روحانی، سیدیوسف حکیم و سیدعلی علامه فانی اصفهانی فراگرفت. شمس‌الدین خود به این دوران اشاره دارد و خاطر نشان می‌نماید:

«در آن وقت پدرم مرا میان باقی ماندن در نجف و بازگشت به لبنان مخیر کرد و من باقی ماندن در نجف را برگزیدم و به تحصیل خود که چند سال بود شروع کرده بودم، ادامه دادم. این انتخاب را از خواست و مشیت پروردگار می‌دانم که باقی ماندن در نجف را بر زبان و فکر من جاری کرد» (مجله حوزه، شماره ۹۶، ص ۲۱-۲۲).

دوران دانش‌اندوزی آیه الله شمس‌الدین در نجف همراه با فقر و

چنان غرق در اقیانوس اندیشه می‌گشت که تمامی ناراحتی‌ها و دشواری‌ها را فراموش می‌کرد. چون نظرات آیه‌الله خویی معقول، برهانی و مطابق ذوق سلیم بود و بر قیاس‌های منطقی اتکا داشت بر دلش می‌نشست و در مغز خلاقش جای‌گیر می‌شد. آیه‌الله شمس‌الدین از آیه‌الله خویی اجازهٔ اجتهاد گرفت و با تشویق استادش موفق گردید تقریرات فقهی و اصولی ایشان را به نگارش درآورد که متأسفانه در حادثهٔ تهاجم ارتش رژیم غاصب صهیونیستی به بیروت، خانهٔ ایشان به اشغال این متجاوزان درآمد و دچار حریق شد و بخش‌های زیادی از آن تخریب گردید و تقریباً ۹۰٪ نوشته‌های ایشان طعمهٔ حریق گشت که غالباً تقریر دروس اساتید ایشان در نجف بود. (مجله حوزه، همان، ص ۲۷)

تلاش‌های علمی و فرهنگی

پس از پیروزی کودتا در عراق و بدست گرفتن قدرت توسط ژنرال عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸ م، مقامات رژیم جدید با اعلام حکومت نظامی و تحت پوشش شعارهایی چون سرکوبی مرتجعین؛ روحانیت مبارز و متعهد را تحت شدیدترین فشارها قرار دادند، کمونیست‌های عراق نیز به عنوان بازوی اجرایی طرح‌های استکباری و رژیم کودتا به کار گرفته شدند و با همکاری عده‌ای از افراد ظاهرین و فریب خورده برای سرکوبی مسلمانان سازمان گروه‌های مقاومت ملی را تشکیل دادند. (نک: تاریخ سیاسی عراق، مؤسسه انتشاراتی نهضت جهان اسلام، ص ۸۱-۸۳؛ تاریخ معاصر کشورهای عربی، د. ر. فوبلیکوف [و دیگران]، ترجمه دکتر محمدحسین روحانی، ص ۸۰-۸۱) در مقابل این‌ها، جریانی به نام ناسیونالیسم عربی بود که حامیان حزب بعث و سایر ملی‌گرایان عرب را به سوی خود جلب کرده بود و در تشکیلات حکومت جدید هم نقش داشت؛ اما قشر گسترده‌ای از مردم عراق به اسلام گرایش داشتند و این اکثریت متدین و مشتاق مقدسات دینی از هیچ‌گونه تشکل سیاسی قوی برخوردار نبودند، در چنین اوضاع و احوالی دانشوران نجف به ضرورت ایجاد یک اجتماع منسجم اسلامی به عنوان یک نیروی توانمند اصل که از یک سو با دیانت پیوند دارد و از دیگر سو در اعماق روح و جان امت مسلمان ریشه دوانیده پی بردند و بر این اساس بود که طرح تشکیل گروهی به نام «جماعة العلماء» پی‌ریزی گردید (زندگی و افکار شهید صدر، سیدکاظم حسینی حائری، ترجمه حسن طارمی، ص ۸۱-۸۰) نقش به‌سزای آیه‌الله محمد مهدی شمس‌الدین را در بنیان نهادن این تشکل منسجم و جهت دادن به آن نمی‌توان انکار کرد. آیه‌الله شمس‌الدین بخش مهمی از فعالیت‌های فکری و اصولی این تشکیلات را عهده‌دار بود و موفق گردید با همکاری جمعی از جمله شهید سیدمحمدباقر

فلاکت بسیار زیاد بوده و خودش یادآور می‌گردد: محرومیت و نیازمندی در نجف آن روز بیداد می‌کرد و تا مرز گرسنگی می‌خزید چه روزها و چه شب‌ها به همین منوال به سر رسید اگر هم چیزی برای خوردن دست می‌داد در حد سد جوع بود... هرگاه پاپوشی می‌یافتیم، کم از پابرهنگان نبودیم، اما با همهٔ این احوال دورهٔ پربرکتی را گذرانیدیم و خلوند را به همه داده‌ها و تأییداتش سیاس داریم، توفیق شکیبایی عنایت فرمود، سختی آن روزها تربیت روح و ریاضت جان و ما را برای پذیرا شدن مشیت خود توش و توان داد... پناه ما درس، مطالعه و عتبه بوسی مولا امیرالمؤمنین (ع) بود که گه‌گاه برای گریز از یکنواختی درس و بحث به مطالعه، شعر، تاریخ، داستانهای عربی یا رمان‌های ترجمه شده و خواندن روزنامه روی می‌آوردیم. (پیشگفتار دوم کتاب حکومت و مدیریت در اسلام)

آیه‌الله شمس‌الدین پس از تکمیل دوران سطح به درس خارج فقه و اصول روی آورد و برای فراگیری این دروس محضر آیه‌الله سیدمحمسن حکیم طباطبایی و آیه‌الله سیدابوالقاسم خویی را درک کرد. شخصیت نخست، با تکیه بر تجربه فراوان، درس خود را بر دو پایهٔ پرهیز از بحث‌های بی‌ثمر و آشنایی با مشکلات روز مسلمانان بنانهاد و همین ویژگی موجب گردید که آیه‌الله شمس‌الدین به همراه شهید سیدمحمدباقر صدر و امام موسی صدر محضرش را معتتم بشمارند، از نظر آیه‌الله حکیم سیاست نه‌تنها نکوهیده نبود بلکه عین دیانت به‌شمار می‌رفت و با چنین نگرشی به استقبال حوادث شتافت و از رویارویی با سیاستمداران سرسپرده نهراسید و در این عرصه آیه‌الله شمس‌الدین به امداد استاد خویش شتافت و او را در خنثی کردن نیرنگ‌های استکباری و دفاع از کیان اسلامی یاری داد و در مبارزات اسلامی، به رهبری استادش در عراق، حضوری فعال داشت، بیانیه‌های سیاسی متعددی از سوی وی در فضای سیاسی آن زمان صادر گردید که بیانگر تلاش‌های مبارزاتی این عالم ژرف‌اندیش می‌باشد.

او به نمایندگی از آیه‌الله حکیم به شهر دیوانیه عراق رفت و چندین سال متوالی در این ناحیه به هدایت دینی مردم پرداخت و در جهت رشد فکری و اصلاح فرهنگ آنان اهتمام ورزید و نزاع‌های قومی و قبیله‌ای را که استعمارگران در تشدید آن می‌کوشیدند با دوراندیشی، تدبیر و درایت خویش از بین برد و صلح و صفا را در میان عشایر این سامان برقرار ساخت. (آینهٔ پژوهش، سال ۱۲، شماره ۶۷، ص ۱۲۷)

شیخ شمس‌الدین به رغم مشکلات و گرفتاری‌هایی که در دوران تحصیل با آنها مواجه بود وقتی به حوزه درسی آیه‌الله خویی می‌رفت با یک انبساط روحی به بحث‌های پویای استاد توجه می‌کرد و آن

درس‌های حوزه با سبکی مدرن و کلاسیک تدریس می‌گشت. آیه‌الله شمس‌الدین لمعه را با روشی ابتکاری و شیوه‌ای نوین تدریس کرد و شرح مفصلی برای آن تنظیم نمود که بعدها به صورت مجموعه‌ای ده جلدی به طبع رسید. این دانشکده مجله‌ای به نام «رسالة الاسلام» انتشار می‌داد که همکاری شمس‌الدین با آن جدی بود، دانشکده مزبور حرکت جدیدی بود که در تربیت نسل نواندیش نقش سترگی داشت و اولین نماد وحدت حوزه و دانشگاه در تاریخ شیعه به شمار می‌رود.

در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی

آیه‌الله شمس‌الدین در سال ۱۳۸۹ هـ. ق و در سن ۳۶ سالگی با کوله‌باری از دانش و اندیشه و تجاربی که در عراق کسب کرده بود به لبنان (سرزمین آبا و اجداد خویش) مهاجرت نمود و حرکت‌های فرهنگی و اجتماعی را در این کشور مظلوم آغاز کرد. سال‌ها قبل، قانونی استعماری را به لبنان تحمیل کردند و چون سکنه این سرزمین از سه گروه مذهبی: شیعیان، اهل سنت و مسیحیان تشکیل شده بود، بیگانگان مقرر داشتند که رئیس‌جمهور باید همواره مسیحی مارونی، نخست‌وزیر سنی و رئیس مجلس شیعه باشد. آیه‌الله شمس‌الدین از این تشکیلات توأم با تبعیض و تفرقه‌آفرین که بر شیعیان فشار بیشتری وارد می‌آورد رنج می‌برد و کوشش اصلی او در محافل سیاسی این بود که این طایفه‌گری تحمیل شده بر نظام سیاسی و حکومتی لبنان را محکوم کند و این حقیقت را مطرح نماید که چرا قدرت‌های بزرگ که از دموکراسی و رعایت حقوق سیاسی و اجتماعی مردم دم می‌زنند در لبنان این‌گونه تصمیمی ضدشیعیان اتخاذ کرده‌اند، باید هر گروهی که در اکثریت است از طریق رای‌گیری مناصب اصلی جامعه را عهده‌دار شود. او در مقالات و خطابه‌های خود تأکید کرد به هیچ‌وجه با واقعیت‌های مسلم جامعه لبنان تطبیق نمی‌کند که رئیس‌جمهور مسیحی مارونی باشد زیرا اکثریت سکنه این کشور با مسلمانان است. معضل دیگری که او در نحوه اداره لبنان مشاهده کرد تفرقه و عدم انسجام مسلمانان این سامان بود که چنین وضع اسف‌انگیزی آنان را از حقوق خویش محروم می‌نماید به همین دلیل در جهت وحدت گروه‌های اسلامی و ایجاد وفاق ملی در لبنان کوشید و از پیش‌تازان و فعالان علمای لبنان در ایجاد اقتدار و افزون نمودن صلابت شیعیان بود. در مصاحبه با مجله حوزه خاطر نشان ساخت: به نظر ما ضروری و متین است که لبنان وحدت اقلیمی خود را حفظ کند و از این روی هر طرز فکری که در نهایت به تقسیم لبنان بیانجامد با آن مخالفیم و به نفع عموم مسلمانان است که لبنان یکپارچه و متحد بماند و حکومت مرکزی مصدر نیرو و قدرت باشد. وی عقیده دارد نظام حکومتی لبنان باید به طور کامل تغییر یابد و ساختار سیاسی آن از

صدر، شیخ مرتضی آل‌یاسین (رئیس جماعه‌العلماء)، شیخ حسین همدانی، سیدمحمدتقی بحرالعلوم، سیدمحمدجمال هاشمی، سیدمحمدصادق صدر و... اسلام را در سطوحی مختلف که تا آن زمان به آنجا نفوذ نکرده بود عرضه دارند و شاید برای نخستین بار بود که اسلام به عنوان یک اصل استوار و اصیل الهی در جامعه روشنفکران عراق در مقابل مکاتب مادی و غربی مطرح گردید (تاریخ سیاسی عراق، ص ۸۵؛ یادواره شهید محمدباقر صدر، ص ۳۰).

بعد از گذشت کمتر از یک سال «جماعه‌العلماء» توفیق یافت که به عنوان پایگاهی اسلامی و نوپا در جامعه اسلامی حضور یابد، همچنین بنا گردید مجله «الاضواء» از یک سو به عنوان ارگان رسمی این گروه و از سوی دیگر به عنوان استمراربخشی به راهی که آغاز شده بود منتشر گردد. بدیهی است با انتشار این نشریه و ارائه دیدگاه‌های فکری و سیاسی اسلام، عرضه مبانی و روش‌های اسلامی در راه پیشبرد اجتماع و تدوین و ترسیم برنامه‌های گسترده روح اسلامی را در قشر وسیعی از مردم مسلمان برمی‌انگیخت و حمیت دینی را در آنان تقویت می‌نمود و در حوزه علمیه نجف سرفصل تحول فکری در بین نسل جوان طلاب گشت. علاوه بر «الاضواء» مجله‌ای به نام «النجم والایمان» انتشار می‌یافت. اقداماتی چون سلسله کتاب‌های «من هدی النجم» در مقیاس محدودتر، جزوات «الیراع الاهداف» که حاوی مقالات دانش‌آموزان دبیرستان «منتدی النشر» در نجف اشرف بود و زیر نظر علمای نواندیش به طبع می‌رسید. آیه‌الله شمس‌الدین در مجموعه ارزنده «من هدی النجم» مطالبی درباره انقلاب امام حسین (ع) و وجدان ملتها نگاشت که به طبع رسید، جمعیت «منتدی النشر» که آیه‌الله شمس‌الدین در تاسیس آن به سال ۱۳۷۳ هـ. ق نقش موثری داشت در جهت رشد فکری و فرهنگی جامعه و غنابخشیدن به دانسته‌های دینی مردم خصوصاً جوانان حرکت تأثیرگذاری را آغاز کرد و برای اصلاح شعائر دینی و مراسم مذهبی تلاش‌های مفیدی انجام داد و برای تحول در آئین‌های سوگواری و اعطانی تربیت شدند. مرحوم شمس‌الدین برای پرورش این افراد اهتمام ورزید و موفق گردید افرادی را برای منابر حسینی تربیت کند که به این جلسات پرشور و مورد استقبال مردم محتوا دهند.

تاسیس «کلیه‌الدین» (دانشکده اصول دین) یکی دیگر از حرکت‌ها و اقدامات ارزشمندی بود که این عالم ژرف‌اندیش در پایه‌گذاری و گشایش آن و نیز در برنامه‌ریزی درسی، ارائه شیوه‌های آموزشی و تدوین طرح‌های فرهنگی آن شرکتی فعال و نقشی به‌سزا داشت. در این دانشکده متون حوزوی و معارف دینی با زبان روز، به شیوه‌ای علمی و دانشگاهی و متناسب با مقتضیات زمان تدوین گردید و در اختیار دانش‌پژوهان قرار گرفت و مباحث اسلامی با همان عمق



معاونت ریاست دو هیأت را عهده‌دار شدند و آیه‌الله محمدمهدی شمس‌الدین به عنوان معاون اول و رئیس هیأت شرع و آقای دکتر عدنان به عنوان معاون دوم و رئیس هیأت اجرایی را عهده‌دار گردید. آیه‌الله شمس‌الدین خاطر نشان می‌نماید مجلس اعلای شیعیان در واقع نهاد و مرکزیتی بود که فعالیت‌های گوناگونی از قبیل اوقاف، دادگستری، محاکم شرعی، برنامه‌ریزی فرهنگی، آموزشی و تربیتی آن توسط شیعیان انجام می‌گرفت و این نهاد به تمامی شیعیان تعلق دارد و در آن نمایندگان به بحث مذاکره و مشورت می‌پردازند و از دیدگاه‌های مشترک بهره می‌برند و سعی در رفع اختلاف میان شیعیان و برطرف نمودن معضلات آنان دارند.

مرحوم شمس‌الدین از علمای بلندمرتبه‌ای بود که از همان ابتدای حرکت‌های سیاسی فرهنگی امام موسی صدر در کنار وی قرار گرفت و او را در این تلاش‌ها یاری داد و با تأسیس مراکز فرهنگی، دینی، موسسات خیریه و برخی نهادهای اجتماعی همکاری مؤثر خود را در قالب مجلس اعلای شیعیان نشان داد و در کنار کارهای علمی و سیاسی موفق گردید بنیادهایی چون مسجد امام صادق، هنرستان فنی بیروت، دانشگاه اسلامی لبنان با دانشکده‌های مختلف، جمعیت خیریه حضرت زینب (س)، مدرسه علمیه و مجتمع خدماتی را بنیان نهد و بسیاری از جوانان شیعه لبنان را با علوم و فنون روز آشنا کند و با همه این احوال نقش خود را به عنوان یک عالم دینی از یاد نبرد و همچنان به اقامه جماعت، تبلیغ دین و هدایت مردم از راه سخنرانی و نگارش

اساس دگرگون شود و با پرهیز از طایفه‌گری درباره آینده این کشور تصمیم گرفته شود، در این طرح گرچه آراء مردم تکلیف را معین می‌کند ولی حاکمیت از آن مسلمانان خواهد بود، این نظر به لحاظ واقعیت‌های اجتماعی لبنان، می‌تواند مشکلات این کشور را حل کند و به نظر آیه‌الله شمس‌الدین هم از لحاظ فقهی دارای اعتبار است و هم با ضروریات و مقتضیات لبنان وفق دارد، این شخصیت برجسته جهان تشیع نظرات علمی خود را درخصوص نظام سیاسی و اداری کشورهای اسلامی در کتابی تحت عنوان: «نظام حکومتی و مدیریتی در اسلام» مطرح کرده است.

براساس تلاش‌های امام موسی صدر نمایندگان شیعیان در مجلس شورای لبنان به پیشنهاد وی طرحی قانونی را تقدیم مجلس کردند که در روز سه‌شنبه ششم صفر ۱۳۸۷ هـ. ق مطابق ۱۶ مه سال ۱۹۶۷ م. به تصویب مجلس و اعضای رئیس‌جمهوری لبنان رسید، براساس این طرح شیعیان اجازه داشتند که مجلسی را تحت عنوان «المجلس الاسلامی الشیعی الاعلی» برای دفاع از حقوق خود بنیان نهند که پس از طی مراحل قانونی در تابستان سال ۱۳۸۹ هـ. ق این مجلس با انتخاب یک هیأت شرعی دوازده نفره از علمای شیعه و یک هیأت اجرایی دوازده نفره، به طور رسمی کار خود را آغاز کرد و طی یک نشست جدی و با شرکت تمام اعضا روز جمعه ۶ ربیع‌الاول سال ۱۳۸۹ هـ. ق امام موسی صدر به عنوان نخستین رئیس مجلس اعلای شیعیان انتخاب گردید. از میان نمایندگان مجلس اعلای دو نفر با سمت



اشتغال داشت.

ناپدید شدن ناگهانی امام موسی صدر در سال ۱۹۸۷ میلادی جوی از نگرانی و عکس‌العمل شدید شیعیان لبنان را پدید آورد، مجلس اعلای اسلامی شیعه در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مکرر خویش بویژه در دو کنفرانس مطبوعاتی که توسط نایب رئیس مجلس - شیخ محمد مهدی شمس‌الدین - در ۳۱ اوت ۱۹۷۹ میلادی و ۱۰ آوریل ۱۹۸۰ میلادی در بیروت تشکیل گردید مسوولیت ناپدید شدن پیشوای شیعیان لبنان را به عهده شخص سرهنگ معمر القذافی رهبر لیبی گذارد زیرا وی در فرودگاه لیبی مفقود گردید. تظاهرات اعتراض آمیز ۳۱ اوت هر سال که مجلس شیعیان لبنان با برنامه‌ریزی آیه‌الله شمس‌الدین ترتیب می‌داد نتیجه این خشم و اعتراض شیعیان بود. تا سال ۱۳۷۲ گرچه پنزده سال از مفقود شدن رهبر شیعیان لبنان می‌گذشت ولی او همچنان در این مدت رئیس مجلس اعلا به شمار می‌رفت در این سال شیخ محمد مهدی شمس‌الدین که تا این زمان نایب رئیس مجلس بود به عنوان رئیس اجرایی مجلس مزبور انتخاب گردید. این عالم مبرز برای حفظ ماهیت اسلامی مجلس یاد شده و جنبش امل که عمدتاً پس از مفقود شدن امام موسی صدر زیر نفوذ برخی چهره‌های لائیک قرار گرفته بود از خود تحرک ویژه‌ای بروز داد و با مبارزات سیاسی و آگاه‌سازی کادرهای جنبش سرانجام در کنگره سوم امل در آوریل ۱۹۸۱ م توانست دست برخی از افراد غیرمتدین را از دفتر سیاسی این تشکیلات کوتاه کند و خود به عنوان مرشد کل جنبش - که دارای اختیاراتی در حد ولی فقیه در سطح داخلی این حرکت بود - انتخاب شد. اگرچه جنبش امل در کنگره چهارم خود شاهد نوعی شبه کودتا و پس از آن انشعاب گردید و اگرچه جایگاه آیه‌الله شمس‌الدین به عنوان مرشد جنبش حداقل به طور ظاهری حفظ شد اما جریان انحرافی غیراصول‌گرا بر رهبری جنبش غلبه یافت.

شیخ محمد مهدی شمس‌الدین به رغم وجود مخالفان جدی در جناح سنتی مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان که او را احاطه کرده بودند و برخی برخوردهای افراطی و سطحی نیروهای انقلابی این سرزمین، هیچ‌گاه از تأیید انقلاب اسلامی ایران در موضع‌گیری‌های گوناگون خود دست برنداشت. علاوه بر این به بسیاری از شبهاتی که در لبنان و حتی جهان، علیه انقلاب اسلامی ایران مطرح می‌گردید شجاعانه پاسخ می‌داد و مرعوبین از طرح اسلام به عنوان مکتبی برای دگرگونی اجتماعی و برقراری حاکمیت را علناً به عنوان قربانیان تهاجم فرهنگی تمدن غرب معرفی کرد. او انقلاب اسلامی ایران را بزرگترین حادثه عصر نوین که برتر از انقلاب‌های بزرگ تاریخ معاصر است، ارزیابی نمود و پیروزی آن را غلبه قدرت ایمان و تجربه‌ای

پربرکت برای تمدن بشر و جهان اسلام دانست، در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، همواره از موضع جمهوری اسلامی ایران حمایت کرد و در پیشبرد و گسترش روابط ایران و لبنان همواره همگامی و مساعدت لازم را به عمل آورد چندین بار به ایران سفر کرد و در سمینار حضرت امام رضا (ع) که در مشهد مقدس برگزار گردید شرکت نمود و مقاله‌ای درخصوص سیره حضرت امام رضا (ع) ارائه نمود، دو بار نیز در کنگره اندیشه اسلامی و حکومت حضور یافت و دیدگاه خویش را در زمینه حکومت اسلامی در این مجمع علمی بیان کرد.

در پیشگفتار دوم کتاب «نظام حکومت و مدیریت در اسلام» نوشت: «حرکت‌های اسلامی برای عرضه کردن ساختار حکومت در اسلام با مشکلات تئوری و عملی روبرو بود. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تاسیس جمهوری اسلامی بر مبنای ولایت فقیه طرح تئوریک حکومت در اسلام را از مرحله نظریه به مرحله تطبیق درآورد، این روی داد بی‌نظیر در جهان اسلام، حرکت‌های اسلامی را در سطح کار سیاسی ارتقا داد و به شکوفایی پژوهش در مسایل جامعه، سیاسی، حکومت، دولت و نظام حکومت انجامید و گروهی از فقها و متخصصان مسلمان در این نهضت فکری آثار ارزنده‌ای پدید آوردند.»

در دهه فجر سال ۱۳۶۷ ه. ش که به عنوان میهمان جمهوری اسلامی به ایران سفر کرد طی مصاحبه‌ای با مجله حوزه یادآور شد: پس از پیروزی انقلاب اسلامی نظر مجلس اعلای اسلامی شیعیان لبنان در رابطه با استراتژی فعالیت در کل جهان اسلام بر این قرار گرفت که از امام خمینی (قدس سره) به عنوان رهبر و مرجع حمایت کند و افزود: انقلاب اسلامی در شرایط معینی به وجود آمد و شرایط تازه‌ای پدید آورد و در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، جهادی و بافت جامعه و آگاهی انسانها مرحله‌ای تازه در جهان اسلام آفرید. این اولین جنبش اسلامی است که به تشکیل یک دولت منتهی گردید، دولتی که طبق برنامه اسلامی تکوین یافته و در دنیا حامیانی دارد.

توجه به مقتضیات زمان و طرح مسایل سازنده

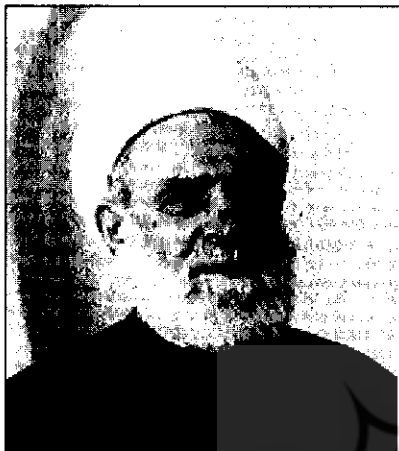
آیه‌الله محمد مهدی شمس‌الدین یکی از دو فقیه بزرگ شیعه معاصر لبنان و از برجسته‌ترین دانشمندان این کشور محسوب می‌گردد، او را باید از نسل نوحاسته و نوگرایی حوزه علمیه نجف اشرف دانست نسلی که حاصل تجربه‌گران سنگ حوزه در مبارزه با استعمار برای تحقق استقلال کشور بوده، با شناخت نیازها و ضرورت‌های دوران معاصر، رویکردی دشوار اما موفق به تلاش برای ارائه معارف دینی در قالب جدید و محتوایی برگرفته از چشمه اصیل قرآن و عترت به نحوی که با مقتضیات زمانی همگامی داشته باشد، بذره‌های تفکری این‌گونه در دوره مرجعیت آیه‌الله سیدمحسن حکیم در اعماق ذهن

پویا و خلاق او کاشته و افشانیده شد و به اوج خود رسید.

مهمترین ویژگی فکری و شخصیتی آیه‌الله شمس‌الدین توجه به نیازهای زمان است، در زمینه مسائل و مباحث تاریخی به بیان پدیده‌ها یا حتی تحلیل صرف آنها اکتفا نمی‌کرد بلکه با ایمانی صادقانه، خردورزانه، پویا و همراه با سعه صدر و روحیه سرشار از اهتمام به امور مسلمین کوششی درخور تطبیق عبرت‌های تاریخ با شرایط معاصر داشته است. مطالعات ژرفش در تاریخ اسلام از سال‌ها تدریس همین رشته درسی در دانشکده فقه و از مقالات متنوع و متعددی که در این زمینه نوشته و به طبع رسانیده قابل درک است، او به لحاظ جامعه‌ای که در آن می‌زیست و مسایلی که با آن‌ها مواجه بود، با حریت فکری که داشت، برداشت وسیع‌تر و عمیق‌تری را از دین ارائه داد. فارغ از منصبی که داشت یک متفکر محسوب می‌گردید و گرچه پس از ناپدید شدن امام موسی صدر تمام بار مجلس شیعیان به دوش وی افتاد، در کشمکش‌های اخیر مواضع هوشیارانه و عاقلانه‌ای برانگیخت، با همه این احوال نقش علمی و فکری خود را فراموش نکرد و دانش و فقاقت را با جهاد و استقامت درآمیخت و ضمن تلاش برای حل مشکلات سیاسی لبنان و به خصوص شیعیان این سامان، در عرصه معرفت، فقاقت و حکمت آثاری ارزنده و آموزنده از خود به یادگار نهاد. وی به قصد آن که بتواند از موضع دیانت درباره مقتضیات زمان قضاوت کند خود را با معارف عمیق اسلامی آشنا نمود و روح قوانین قرآنی و روایی را درک کرد و این حقیقت را دریافت که قوانین اسلام جاودانی است و بر فراز اعصار و قرون و مکان‌ها قرار می‌گیرد و قادر است جامعه بشری را به سوی کمال و هدایت سوق دهد، پدیده‌های زمان را بخوبی شناخت و از هم تفکیک نمود و هر چیزی را به صرف نو بودن آن نپذیرفت کما این که امور دیگر را به دلیل قدمت رد نکرد و از ورای حرکت‌هایی که به نام ترقی و پیشرفت در جامعه صورت می‌گرفت نوعی کژی و انحراف را می‌دید که برای درمان این عارضه بازگشت به اندیشه پویای اسلامی را تجویز می‌کرد. این‌گونه هم نبود که مطابق سلیقه و پسند مردم جلو برود و خود را با آنان هماهنگ کند بلکه می‌کوشید افراد اجتماع را با معارف دین و عمق احکام اسلامی همگام و همراه سازد. او خاطرشان نمود برای مقاومت در مقابل مکاتب الحادی باید در وهله اول آنها را مورد بررسی علمی و دقیق قرار داد و مباحث اصلی آنان را تحت‌نظر داشت و اشخاصی را تربیت کرد که در مقابل این مکتب‌ها ایستاده و به دفاع از فکر اسلامی برخیزند. به اعتقاد وی افکار انحرافی از دو طریق، یکی گمراه کردن افراد ناآگاه و دیگری خلأ فکری در میان جوامع اسلامی انتشار می‌یابد. و وقتی اندیشه‌ها و ذهن‌ها از تفکر سالم و معارف حقیقی دور ماندند افکار بیگانه و آغشته به کژی جانشین آنها می‌شود.

از این رو باورهای ناب اسلامی آن‌چنان باید چون جویباری در جامعه جاری باشد که بتواند تشنگان معرفت را از عطشی که دارند سیراب سازد. به باور وی اسلام قادر است افکار بی‌عمق و یا آلوده را خنثی کند و چون نور آفتاب حقیقت، از افق ایمان بردمد عرضه‌کنندگان مکاتب دروغین را رسوا خواهد ساخت. یکی از نتایج خوب بازگشت مردم به اسلام و پیوستگی آنان به فرهنگ اسلامی همانا روشن شدن بی‌محتوایی و بی‌عمقی طرز فکری است که از آن به عنوان مکتب‌های غربی یا تفکر نوگرایی تعبیر می‌شود. او در مرحله عمل به جوانان و دانشجویان خود ثابت کرد که اسلام از نظریه‌های موجود برتر و والاتر است و بسیاری از فراگیران او این حرکت را یک تحول و پیشرفت سازنده به حساب آوردند. زیرا آیه‌الله شمس‌الدین با آن فراست و درایتی که داشت ابعاد گوناگون اسلام را مطرح کرد و با توجه به مفاهیم دینی برای معضلات اجتماعی و فرهنگی راه‌حل‌هایی ارائه داد و اسلام را به عنوان تنها نظام حق به جامعه شناسانید. اصولاً او این مقایسه‌های سطحی دین را با مکتب‌های بشری مردود می‌دانست و از موضعی بالا و ریشه‌دار و عزت‌آفرین و توأم با مضامین زیبا، پرجاذبه، محکم و مستدل اسلام را به نسل جوان و سایر جویندگان حقیقت عرضه می‌کرد، اسلامی که مطرح کردن آن به انگیزه خودباختگی در برابر توفان‌های تهاجم فرهنگ شرق و غرب نبود بلکه بر مبنای علم و آگاهی عمیق نسبت به ریشه‌های فکری و تاریخی استوار است، او با این موضع‌گیری توانست خفتگان و غافلان را بیدار سازد و ذلت را به عزت تبدیل نماید.

آیه‌الله شمس‌الدین بر این باور بود که دین و سیاست حوزه مشترک دارند و جدایی این دو از یکدیگر امکان‌پذیر نمی‌باشد، در آثار خویش از نوعی سیاست دینی دفاع می‌کند و نشان می‌دهد که اسلام نمی‌تواند بدون نظر به حوزه سیاست پیش رود، آیین مزبور آراء سیاسی دارد، رژیم‌های منتهای دین را که براساس تمدن جدید و فلسفه مادی بی‌ریزی شده از طریق پژوهش‌های عمیق و براهین قوی که موردپسند اهل خرد و معرفت است باطل اعلام می‌کند و اثبات می‌نماید احکام شریعت اسلامی عالی‌ترین برنامه زندگی و تشکیل حکومت جهانی را داده است. وی تاکید می‌نماید رژیم منتهای مذهب بزرگترین خطر برای اسلام و انسانهاست هنگامی که دشمنان دیانت با تبلیغات مسموم خویش به جامعه لبنان چنین القا کردند که اسلام آیین جنگ، نزاع و خشونت است از دیدگاه اصولی و اساسی اسلام درباره روابط انسان‌ها در زندگی اجتماعی برپایه صلح و همکاری نیکوکارانه و پرهیزگارانه در محدوده امت و در سطح وسیع‌تر جامعه بشری به دفاع پرداخت و نوشت: هر اقدامی که به وحدت جامعه اسلامی آسیب برساند و هر خطری که همبستگی گروهها و افراد آن



این جایگاه مراجعه کنند و برای بیماران و کسانی که نیاز مبرمی به خون دارند، خونی را که طی سنت بیهوده قه‌زنی تلف می‌کردند اهداء کنند، این برنامه آن زمان متداول گردید و از باقیات صالحات این عالم فرزانه تبدیل قه‌زنی به بانک خون امام حسین (ع) است. درخصوص انقلاب امام حسین (ع) و سیره مبارزاتی و حرکت ضدستم آن حضرت نگرشی خردپسند و تازه را مطرح کرد و بحث عدالت در قیام حسینی توسط وی عنوان گردید. کار دیگری که مرحوم شمس‌الدین درخصوص اصلاحات در مراسم عاشورا انجام داد بازنگری در منبری بود که عده‌ای از واعظان با دیدی سطحی و تنگ‌نظرانه به تشریح حوادث کربلا می‌پرداختند و این شیوه آنان با خرافات و مطالبی وهن‌انگیز و دور از واقعیت همراه بود. آیه‌الله شمس‌الدین در این راستا اهتمام ورزید و کوشید تا افرادی برای این منظور تربیت شوند که بتوانند مسایل عاشورا را با دیدی وسیع‌تر و نگرشی عمیق‌تر و برحسب مقتضیات زمان و نیازهای نسل جوان مورد بررسی قرار دهند و در ضمن از مطرح کردن مسایل آغشته به تحریفات و امور بیهوده و آفت‌زا بپرهیزند.

فرازهای فضیلت

آیه‌الله شمس‌الدین از نخستین روزهای دانش‌اندوزی از تزکیه درون و کسب فضایل اخلاقی غافل نبود و توجه به جنبه‌های اخلاقی و پرورشی را از مسایل ضروری دوران تحصیل و تدریس می‌دانست. از کبر و غرور تنفر داشت و از کارهایی که بوی خودبینی می‌داد اجتناب می‌کرد، در عین صلابت و ابهت شخصیت، فروتنی روش او بود تا سال‌ها پس از ناپدید شدن امام موسی صدر از تصدی ریاست مجلس

را تهدید کند هرچند که ظاهری مقدس داشته باشد جرمی سنگین به حساب می‌آید و نظر قرآن دربارهٔ مسجد ضرار یکی از شواهد آن است. اندیشهٔ آشتی میان آدمیان در سطح تمامی آحاد بشری و امت اسلامی مظهری از اندیشه صلح حاکم بر ارکان هستی می‌باشد که نظریهٔ اصولی و اساسی اسلام است و پس از طرح این موضوع «جنگ و صلح از دیدگاه امام علی (ع)» را مورد بررسی قرار داد.

هنگامی که عده‌ای از خودباختگان از تمدن مادی دفاع کردند و میراث آن را برای آدمیان ارزشمند تلقی نمودند. آیه‌الله شمس‌الدین درمقابل این موج انحرافی ایستاد و گفت: تمدن مادی هر قدر گرانبها فرض شود در مقایسه با آثار معنوی بیش از جزء ناچیزی از مجموعه فرهنگ انسانی به‌شمار نمی‌آید چون این تمدن در نتیجهٔ عوامل مشخصی پدید آمده و تنها نیازهای فکری و اجتماعی را در مقطعی خاص و محدود در نظر داشته حیات و ارزش آن همراه پدیدآورنده‌اش از بین می‌رود و نمی‌تواند اصالت، عمق و عمومیت داشته باشد. سپس در مقابل این آثار میرا و فناپذیر میراثی را مطرح کرد که گذشت زمان هرگز از طراوت، تازگی و تحرک آن نمی‌کاهد زیرا از یک سو از کانون وحی و عالم غیب و ملکوت سرچشمه گرفته‌اند و از دیگر سو ریشه در اعماق جان و فطرت امت‌ها دارند و بدین جهت جاودانی می‌باشند سپس ضمن بحثی تحت عنوان «جستجویی در نهج‌البلاغه» که به صورت کتابی مستقل به طبع رسیده نهج‌البلاغه حضرت علی (ع) را به عنوان میراثی گرانبها که می‌تواند در هر عصری جوابگوی مشکلات فکری و فرهنگی جامعه باشد معرفی کرده است.

آیه‌الله شمس‌الدین نسبت به مسایل و جریاناتی که آفت جامعه اسلامی محسوب می‌گردید به مقابله برخاست، او احساس کرد آلودگی‌هایی در بستر افکار اجتماعات دینی و شعائر مذهبی آشکار شده که آفتی فرساینده برای رشد، پویایی و بالندگی جامعهٔ شیعه می‌باشد. پس با دستگاه تصفیه‌کننده‌ای که قرآن و عترت مشخصات آن را ترسیم کرده به پالایش این آلاینده‌های معنوی پرداخت. در نجف طی مبارزه‌ای خستگی‌ناپذیر مراسم خرافی قه‌زنی را مورد انتقاد و ملامت شدید قرارداد و خاطر نشان ساخت این عمل سیمای نورانی و روحانی حماسهٔ شکوهمند کربلا و قیام امام حسین (ع) را مورد خنده قرار می‌دهد زیرا روشی است که امروزه مورد تمسخر و استهزاء جهانیان قرار گرفته و احساس به تحجر و عقب‌ماندگی و جمود را می‌رساند.

وقتی که آیه‌الله شمس‌الدین مشاهده کرد قه‌زنی در برخی شهرهای عراق به حد افراطی رواج دارد، از عزاداران حسینی درخواست کرد برای ابراز ارادت به ساخت سیدالشهداء می‌توانیم به روشهای دیگری هم روی آوریم آنگاه مرکزی به نام بانک خون با یاد امام حسین (ع) بنیان نهاد و از عاشقان حسینی خواست در روز عاشورا به



عبادت، تلاوت قرآن، گره‌گشایی از مشکلات اجتماعی و سیاسی شیعیان لبنان، پاسخگویی به سوالات و شبهه‌ها، سخنرانی، خطابه و اقامه نمازجماعت می‌گذرانید. سرانجام آن عالم پرتلاش در روز چهارشنبه ۱۵ شوال المکرم سال ۱۴۲۱ هـ. ق مطابق ۲۱ دی ماه سال ۱۳۷۹ هـ. ش در بیروت دارفانی را وداع گفت و پیکر پاکش پس از تشییع جنازه‌ای باشکوه و حضور سران طوائف و مذاهب گوناگون، مقام‌های کشوری و لشکری، حزب‌الله لبنان، سفیران کشورهای خارجی در لبنان و با شرکت نمایندگان مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله خامنه‌ای و مقامات جمهوری اسلامی ایران در مسجد امام صادق (ع) - که خود تاسیس کرده بود - به خاک سپرده شد.

آثار و تالیفات ارزشمند

- فهرست آثار آیه‌الله شمس‌الدین اعم از کتب به طبع رسیده، مخطوطات، ترجمه شده و ترجمه نشده به شرح ذیل هستند:
- ۱ - حركة التاريخ عند الامام على (ع) که به نظر مؤلف آن، نوآوری‌های وافری دارد.
 - ۲ - دراسات فی نهج البلاغه، طبع اول نجف اشرف ۱۳۷۵ هـ. ق، طبع دوم دارالزهراء، بیروت ۱۳۹۲ هـ. ق، این اثر در مجموعه انتشارات بنیاد نهج البلاغه با عنوان «جستجویی در نهج البلاغه» توسط محمود عابدی ترجمه و چاپ گردید.
 - ۳ - السلم و قضایا الحرب عند الامام على (ع)، طبع اول دارالاسلامیه بیروت ۱۴۰۰ هـ. ق این کتاب با عنوان «جنگ و صلح از دیدگاه امام علی (ع)» توسط بنیاد نهج البلاغه در ایران ترجمه شده و نشر روشنگر آن را منتشر کرده است.
 - ۴ - الغدير (دراسة تحليلية، اجتماعية، سياسية لمسألة الحكم الاسلامی بعد وفات الرسول (ص)) منشورات الجمعية الخيرية الثقافية، بیروت ۱۳۸۶ هـ. ق.
 - ۵ - الامام على والفلسفة الزمنية.
 - ۶ - شرح عهد الاشر (شرح عهدنامه مالک اشتر)، طبع اول الجمعية الخيرية الثقافية، بیروت ۱۳۸۶ هـ. ق.
 - ۷ - ثورة الحسين (ظروفها الاجتماعية و آثارها الانسانية)، طبع اول، دارالاندلس بیروت. این کتاب تحت عنوان «ارزیابی انقلاب امام حسین (ع)» توسط مهدی پیشوایی ترجمه شده و چندین نوبت در قم به طبع رسیده است. همچنین با عنوان پژوهشی پیرامون زندگی امام حسین (ع) به انگلیسی ترجمه گردیده و در مؤسسه دائره‌المعارف سیدحسین امین چاپ گردیده است.
 - ۸ - ثورة الحسين فی الواقع التاريخی والوجدان الشعبي. این کتاب قیام امام حسین را در بستر تاریخ و وجدان ملت‌ها مورد بررسی قرار

اعلای شیعیان لبنان امتناع نمود تا یاد و خاطره این امید محرومان لبنان و تقدم او را در این سمت در اذهان حفظ کند.

زمانی که پس از دوره‌ای از سردی روابط با ایران در رأس یک هیأت بلندپایه به تهران آمد و با ممانعت گروه مهدی هاشمی از ورود و اقامت وی در هتل محل برگزاری مراسم روز جهانی مستضعفین (نیمه شعبان) روبرو شد بی آن که از چنین اهانتی که جایگاهش را دست‌کم نزد اعضای هیأت و ارباب رسانه‌های جمعی همراه مورد تردید قرار داده بود به درخواست یکی از برادران که از نزدیک شاهد این ماجرا بود، مبنی بر انتقال ایشان به محلی دیگر و فراهم آوردن امکانات ادامه سفر و ملاقات با مسؤولان بلندپایه کشور متواضعانه لیبیک گفت.

در مقابل مراحل پرآشوب زندگی و ناملایماتی که در لبنان با آن مواجه گردید استوارترین ستون یعنی شکیبایی پرشکوهی را برافراشت و اگر غیر از این رفتار می‌کرد در نخستین منزل خسته و فرسوده می‌گشت و از ادامه راه بازمی‌ماند. در ایام تحصیل و تدریس با بدخواهان و مخالفان زیادی روبرو شد اما بر اثر تربیت‌های الهی با آنان به بزرگی و متانت رفتار کرد و نسبت به همه رشک‌ورزان و تنگ‌نظران خطاپوش بود. در آن روزهای تلخ و ناگوارکننده‌ای که آتش تفرقه از یک سو بر خرمن اتحاد و وفای شیعیان لبنان حریق افکند و از سوی دیگر متجاوزان صهیونیستی، تهاجم خونین را به سوی سرزمین مظلوم مزبور آغاز کردند او عنان بردباری را از کف نداد و با تکیه بر عنایات الهی و استمداد از ساحت مقدس اهل بیت (ع) و متابعت از شیوه‌ای عاقلانه این آشفتگی‌ها و مشقت‌های جانکاه و توان فرسا را تحمل کرد و پشت سر نهاد.

در مورد انگیزه پژوهش او درخصوص انقلاب کربلا و قیام امام حسین (ع) و بررسی سیره شهیدان نینوا نوشت: من این بررسی را برای زنده کردن یاد شهیدان کربلا نوشته‌ام. که خود زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند - بلکه به این خاطر که زندگی خود را به زندگی آنان متصل کنم و از روحیه شهادت‌طلبی آنان درس بگیرم و بدین سبب آن را در میان مردم نشر دادم تا خوانندگان آن روح شهادت‌طلبی را که در این زمان - که روحیه عافیت‌طلبی بر امت اسلام مستولی گشته - به یادآورند. آن هم در زمانی که روحیه خوشگذرانی در امت اسلامی سرشار شده و روحیه شهادت‌طلبی پنهان گشته است و معیارهای مادی که انسان را از هر عقیده‌ای که بخواهد او را فراتر از خودخواهی‌ها برای خدمت به دیگران و آدار کند قرار می‌دهد.

از فرصت‌ها و ساعات زندگی خویش به نحو احسن استفاده می‌نمود و اوقات شبانه‌روزی خویش را به تدریس، تحقیق، مطالعه،

- ۲۳ - العلمانیه هل تصلح حلاً لمشاكل كل لبنان (تحليل و نقد محتوایی و تاریخی علمانیه)، این اثر را آقای حسن شمس گیلانی با عنوان «حکومت منهای دین» ترجمه کرده و در سال ۱۳۶۲ ه. ش چاپ شده است.
- ۲۴ - دراسات و مواقف الفكر والسياسة والمجتمع، طبع اول مؤسسه الدولية للدراسات والنشر بیروت ۱۴۱۰ ه. ق (۱۹۹۰ م).
- ۲۵ - فی الاجتماع السياسي الاسلامی (محاولة تأصيل فقهی و تاریخی).
- ۲۶ - التحقق الوجودی فی الاسلام.
- ۲۷ - تحقیقاتی در فقه اسلامی.
- ۲۸ - الاجتهاد والتقليد.
- ۲۹ - تفسیر آیات الصوم (بیروت ۱۳۸۶ ه. ق).
- ۳۰ - اسلام و تشکیل خانواده در مقایسه با دیگر مذاهب.
- ۳۱ - ولاية الامة على نفسها.
- ۳۲ - الاقرار.
- ۳۳ - الوصاية.
- ۳۴ - والضمان
- البته این سه کتاب اخیر دچار حریق شده‌اند و تنها بخش‌هایی از آنها باقی مانده‌اند.
- ۳۵ - مسائل الحرجه فی فقه المرأ: این کتاب در خصوص مسایل مربوط به زنان است و چهار جلد می‌باشد. جلد اول با عنوان ستر و نظر در مورد حجاب زن و مرد به یکدیگر بحث می‌کند، جلد دوم با عنوان «اهلیة المرأة لتولی السلطة» به مشارکت سیاسی زنان می‌پردازد. این مجلد با عنوان حدود مشارکت سیاسی زنان در اسلام توسط محسن عابدی ترجمه شده و انتشارات بعثت در تهران آن را چاپ کرده است. جلد سوم به بحث پیرامون حقوق زوجه پرداخته و در جلد چهارم حقوق مالی زنان مورد بررسی قرار گرفته است.
- ۳۶ - مقالات و یادداشت‌های متعدد و متنوع در خصوص فقه و اجتهاد و دیگر مباحث اسلامی که در چندین شماره از مجله‌العرفان (نخستین مجله شیعی) به چاپ رسیده است.
- ۳۷ - الاحتکار فی الشریعة الاسلامیة (بحث فقهی مقارن)، طبع اول الموسسه الدوليہ للدراسات والنشر، بیروت ۱۴۱۰ ه. ق (۱۹۹۰ م) این کتاب توسط دکتر سیدمرتضی آیه‌الله‌زاده شیرازی ترجمه شده است.
- ۳۸ - تعلم الصلوة اليومية بالصورة، منشورات الجمعية الخيرية، بیروت ۱۳۸۶ ه. ق.
- داده است، اثر یاد شده در سال ۱۳۹۰ ه. ق در سلسله انتشارات «من هدی التحف» در عراق چاپ گردید.
- ۹ - الامام حسین قصة حياته و ثورته (سرگذشت امام حسین (ع) و قیام او)
- ۱۰ - انصارالحسين (الرجال والدلالات)، بیروت، دارالفکر ۱۳۹۵ ه. ق. این کتاب در ایران با عنوان شهیدان کربلا توسط هوشنگ اجاقی ترجمه شده که تشر آفاق در تهران آن را چاپ کرده است. همچنین با ترجمه ناصر هاشم‌زاده با نام انصارالحسین انتشارات امیر آن را به طبع رسانیده است.
- ۱۱ - عاشورا.
- ۱۲ - رسالة الحقوق للامام زين العابدين (على بن الحسين (ع))، بیروت، منشورات الجمعية الخيرية الثقافية.
- ۱۳ - مع الامام الرضا (ع) فی ذکرى وفاته، منشورات الجمعية الخيرية الثقافية بیروت، بدون تاریخ.
- ۱۴ - الامام والسياسية والولاية عند صدرالمآلهين.
- ۱۵ - محاضرات فی التاريخ الاسلامی. طبع نجف اشرف (عراق). (۱۹۶۵ میلادی).
- ۱۶ - بين الجاهلية والاسلام. دارالكتاب اللبناني - دارالكتاب المصری ۱۳۹۵ ه. ق (۱۹۷۵ م).
- ۱۷ - الاسلام و تنظيم الأسرة (مع آخرین)، الدارالمتحدة للنشر، بیروت.
- ۱۸ - دراسه عن موسوعة الفقه الاسلامی.
- ۱۹ - شرح لمعه در ده مجلد.
- ۲۰ - مطارحات فی الفكر المادی والفكر الدينى طبع اول دارالتعارف، بیروت، ۱۳۹۸ ه. ق (۱۹۷۸ م) طبع دوم دارالتعارف، بیروت ۱۴۰۰ ه. ق (۱۹۸۰ م) همچنین بخش‌هایی از این کتاب در روزنامه النهار بیروت از ۲۲ فوریه ۱۹۷۰ م تا ژوئن همین سال درج گردید و در ایران با عنوان گفتگو و پژوهشی درباره اندیشه مادی و اندیشه دینی یا ترجمه حسن شمس گیلانی چاپ شده است.
- ۲۱ - عقاید الشیعة الامامیة: منشورات الجمعية الخيرية الثقافية، بیروت، ۱۳۸۶ ه. ق.
- ۲۲ - نظام الحكم والاداره فی الاسلام، طبع اول منشورات حمد، بیروت ۱۳۷۴ ه. ق (۱۹۵۵ م) طبع دوم الموسسه الدولية للدراسات والنشر (الموسسه الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع)، بیروت ۱۴۱۱ ه. ق (۱۹۹۱ م)، این کتاب تحت عنوان: «نظام حکومت و مدیریت در اسلام» توسط دکتر سیدمرتضی آیه‌الله‌زاده شیرازی (۱۳۷۹-۱۳۰۷ ه. ش) به فارسی ترجمه شده و دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۵ ه. ش آن را به طبع رسانیده است.